

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Vanguard Woman

زن پیشواز

دپلوم انجنیر نسرين معروفی- بازنشر

۳۰ اگست ۲۰۲۱

توافق صلح بين امريكا و طالب، اهانتی بر جنبش زنان

علی رغم آن که مبارزه طولانی زنان طی سالهای متمادی در سراسر جهان دستاوردهای گرانبهایی به همراه داشته، با آنهم اکثریت زنان در جهان به خصوص در کشور های عقب نگه داشته شده و مذهب زده، همچنان از نابرابریهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اعمال خشونت رنج می برند. میزان اعمال این خشونت ها و نابرابری های اجتماعی در کشور های جنگزده و به اسارت کشیده ای مانند کشور ما افغانستان شدت بیشتر دارد. زنان در هر سنی از کودکی تا پیری قربانیان جنگ و خشونت هستند. با وجودی که همین حالا نیز قوانین زن ستیزانه ارتجاع هار در کشور ما حاکم می باشد و زنان از ستم مضاعف رنج برده و می برند، توافق صلح علنی امپریالیزم امریکا و طالب بی تردید سرکوب زنان به مثابه یکی از اصلی ترین اهداف این صلح نامیمون را آشکار خواهد ساخت. نظر به تجارب تاریخی امپریالیستها در هر کشوری که تجاوز نمودند بدون کمک و همکاری ارتجاع قادر نبوده و نیستند تا به حاکمیت خود ادامه بدهند.

خوانندگان عزیز!

قبل از این که به اصل موضوع بحثم که برگزاری روز با شکوه و تاریخی هشتم مارچ است، بپردازم می خواهم خطاب به کسانی که در این مدت هژده سال علاوه بر این که از تجاوز کشورهای امپریالیستی به کشور ما افغانستان دفاع و حمایت کردند، در رسانه ها به پاکوبی و رقص پرداختند و با نوشتن مضامین پرطمطراق خود از استعمار و از دولتهای دست نشانده "کرزی" و "غنی احمدزی" و بقیه دارو دسته های وطنفروش به حیث حامی پیشرفت و ترقی، آزادی و دیموکراسی به خصوص از آزادی زنان حمایت و پشتیبانی خود را اعلام نمودند و هم مردم را به رأی دادن و رفتن به پای صندوق های رأی تشویق نمودند و هر حرکت و اندیشه انقلابی و ضد تجاوز را خشونت طلبی نامیدند و هدف همه آن نیروها و جریانات وابسته به امپریالیستها از تبلیغ و حمایت فقط به انقیاد کشاندن جامعه ما در کل به ویژه به اسارت کشیدن زنان بوده است، تذکار دهم که توافقنامه صلح امپریالیزم امریکا با طالب نشان داد که هدف امپریالیزم امریکا نه خدمت به مردم افغانستان به خصوص زنان کشور، بلکه رسیدن به توافقی بود با طالب تا آن نیروی عقبمانده و ارتجاعی را به ملیشایی خود مبدل بسازد. بدین معنی که ارمغان هژده سال تجاوز با سیاست مخرب و منفعت جویانه امپریالیزم امریکا صلح با طالب است. یعنی استحکام فرهنگ برده ساز

مردسالار که هرگز حقوق مردم و به ویژه حقوق زنان افغان و بهبود شرایط زندگانی آنها را فراهم نخواهد ساخت و نابرابری های جنسیتی در جامعه از بین نخواهد رفت.

آنهايي که حاکمیت استعمار را بر طالب ترجیح می دادند، پس باید از ایشان سؤال نمود که آیا کشورهای امپریالیستی و دولت دست نشانده آنها در هژده سال قادر شدند قوانینی را نسبت به حقوق زنان که سن قانونی ازدواج، برخورداری زنان از حق طلاق، داشتن حق آزادی و حق زندگانی به حیث یک انسان را تطبیق نمایند؟ آیا قادر شدند تا سرکوب وحشیانه زنها توسط مردها و وابستگی اقتصادی آنها، نابرابری حق جنسیتی، استقلال آنها در تصمیم انسانی خلاصه در بهبود شرایط زندگانی زنان، کاری را انجام بدهند و یک قدم به جلو بگذارند؟ به یقین که با آمدن طالب تمام ادعاهای کشورهای امپریالیستی در رابطه با حقوق و آزادی زنان ملغی خواهد شد و بعد از این غامض تر و پیچیده تر خواهد شد. پس پیشنهاد من برای تمام طیفی که به امپریالیزم امید بسته بودند این است در صورتی که در وجود آنها به اندازه سر سوزن وجدان و شهامت باقی مانده باشد، موقع آن رسیده تا با ملاحظه توافقنامه صلح امریکا با طالب و خیانت آشکار به تمام حقوق و آزادیهای آحاد جامعه به خصوص زنان کشور از خلق افغانستان من جمله زنان ستمدیده آن معذرت بخواهند.

حدود چهار دهه است که مهار سرنوشت خلق افغانستان به ویژه زنان افغان به دست کشورهای امپریالیستی، ارتجاع هار، انقیادطلبان و میهنفروشان است. با گذشت هژده سال تجاوز کشورهای به اصطلاح متمدن و پیشرفته به کشور ما افغانستان، دیده می شود که مردم ما امروز در کنار مصیبت های خانمانسوز و محرومیت های اجتماعی نه تنها آغشته در خون و فضای آن آلوده از گند و تعفن استعمار و دولت دست نشانده در ارگ و داعش و طالب است، بلکه طبق پلان دولت جنایتکار امریکا که یکی از اهداف آن در هژده سال تجاوز، تداوم جنگ بوده تا توانست نقش طالب را در کشت و کشتار مردم ما برجسته ساخت تا بتواند شرایط را برای پروژه صلح با آنها مساعد نماید. بدین معنی که دوام وقایع تاریخی وحشتناکی که در هژده سال تجاوز دامنگیر خلق ستمدیده ما به خصوص زنان افغان بوده، با مشارکت طالب در تصمیم سیاسی و اجتماعی آن را گسترش بدهند. امپریالیستها این را خوب می دانند که بهترین ابزار، زنده نگاه داشتن سنتهای عقب مانده و حاکم کردن آن در داخل خانواده ها بر اساس عقاید دینی و مذهبی است. طوری که ما شاهد هژده سال مصیبت و بدبختی های مردم به خصوص زنان و کودکان هستیم که خود بیانگر نماد جامعه ای است که امپریالیستها به کمک دولت دست نشانده بنیادش را گذاشته و با به قدرت رساندن طالب می خواهند تا خلق ما را در یک اجتماع ددمنشانه و خصمانه ای که در آن تعصبات سیاسی، اجتماعی و خانوادگی بیشتر از اوضاع فعلی است، مواجه بسازند. مطمئناً با برقراری نظام قضائی و اجتماعی به شیوه ظالمانه، غیر انسانی موقعیت زنان را بیش از پیش مورد لطمه قرار می دهند و تبعیض علیه زنان تصویری خشن تری به خود می گیرند.

یعنی زن باید زندگانی را در سلول های سرد و تاریک زندان طالب و خانواده که در آن قوانین و عنعنات کهنه و پوسیده دینی و مذهبی حاکم است، بگذرانند، که این خود باعث ضربات جبران ناپذیر جسمی و روحی مردم تحت ستم می شود. بدین ترتیب آنها می خواهند تا نیمی از جامعه را تحت قوانین زن ستیز به عنوان زن سنتی که در عدم دانش و بینش قادر نشوند حتی از حقوق انسانی خود دفاع کنند و از مشارکت در اجتماع محروم و موجودات ضعیف و متکی به مردان باشند.

قدرت حاکمه امریکا خوب می داند که با سهیم ساختن طالب در قدرت سیاسی و اجتماعی و واگذاری ایجاد نظم و ثبات به آنها ستم جنسیتی، بربریت و توحش از افغانستان برچیده خواهد شد. چنانچه ما شاهد محدودیتهایی که طالب

در زمان حاکمیت خود به وجود آورده بود و تأثیر مخرب آن بر زندگانی زنان نقش مهمی داشت، بودیم. لذا بر ماست تا:

نخست نباید فریب برقراری صلح استعماری و ارتجاعی را بخوریم، صلحی که فقط به درد منافع کشورهای استعمارگر و ارتجاع می خورد ولی هرگز آرامش و امنیت برقرار نخواهد شد و درد های مردم و به خصوص زنان را دوا نمی کند.

ثانیاً به گفته یکی از زنان انقلابی که فعلاً اسمش را به خاطر نمی آورم که گفته است: **"ما نباید بترسیم چون دشمن ما تنها امپریالیزم و ارتجاع نیست بلکه ترسی است که در درون مان با خود حمل می کنیم"** ما نباید از ترس و وحشتی که امپریالیزم با خشونت و خونریزی، انفجار و انتحار به وجود آورده، تا بتواند مانع همبستگی، مقاومت و پایداری ما در راه مبارزه گردد، هراس داشته باشیم. پس همانطوری که مقاومت و پایداری به مثابه یکی از جنبه های مبارزه در درازنای تاریخ بشر است و بهای پایداری و رزم با نثار جان پرداخته می شود. لذا برماست تا از تاریخ مبارزاتی بشریت بیاموزیم و با هزاران تلاش و مبارزه و دادن قربانی و گذشتن از آسایش، مال و جان در راه آزادی کشور و بهروزی مردم خود دریغ نکنیم. طوری که بر ما واضح است، آزادی تحت کنترل استعمارگران، پیشرفت و ترقی و برآورده ساختن امیال و خواسته های انسانی مردم نیست، بلکه اسارت و بردگیست، کشت و کشتار و نابودیست. چنانچه تجربه چهار سال ما از تجاوزات و حاکمیت اسلام سیاسی و طالب جنایت، فرار و مهاجرت از هم پاشیدن فامیلها و در بدریها بوده و است که دامنگیر مردم ماست.

پس خلق ستمدیده و به اسارت کشیده افغانستان که در آتش جنگها و رقابتهای استعماری می سوزند و می سازند، باید بدانند که رهائی آنها از منجلاب بدبختی ها، مبارزه علیه دشمن عمده ما امپریالیزم جهانی است و این را هم باید بدانند که هیچ گاهی ستمدیدگان با موجودیت و اقتدار امپریالیزم و دولتهای دست نشانده آنها به آرامی نخواهند رسید، مگر این که علیه آنها سخت سرانه و پیگیرانه مبارزه نمایند.

مرا یقین بر آنست که زنان به مثابه نیروی عظیم و خلاق و بخشی از پیگیرترین گروه های انقلابی برای تحقق این ستراتیژی هستند و این را هم از تجارب انقلابات مردمی و سوسیالیستی که در جهان صورت گرفته خوب می دانیم که راه رهائی زنان از ستم مانند رهائی کل بشریت از استثمار و ظلم و ستم در انهدام نظام سرمایه داریست، نظامی که در آن حتی عزت و کرامت انسانها هیچ ارزشی ندارد، پس محو سیستم سرمایه داری به محو همه ستم ها می انجامد.

به آرزوی آزادی همه زنان ستمدیده جهان

به خصوص به آرزوی آزادی ستمدیده ترین ستمدیدگان یعنی زنان افغانستان